

سامان یابغو

در بعضی از افسانه های قرون وسطی، سامان خودات از میان سائرحکمرانان ترکان اوغوزی منحیث یگانه حکمران افسانوی و یکه تازگفته شده است. بنا به گفته رشیدالدین بعداز عزل توقوزیابکوی Tokuz Vkuuy (دوکور یوبکوی) Dukure Vkuuy ، ماورالنهر توسط زمامدار سخاوتمندی (اصل زاده ای) بنام سامان یابکو ملقب به سامان خودات که جد سامانیان شمرده میشد اداره میگردد (107)(108)

[Рашид ад-дин, 1987, с. 94; Togan, 1972, p. 112]

اما، خان مذکور (یعنی سامان یابکوی) در آثار ابوالغازی بنام " اصل زاده" یا "نجیب زاده" قید واز حکمرانی 20 ساله اش سخن گفته شده است. در اثر متذکره گفته شده است که، وی بعد از فرمانروائی 10 ساله ارسالان خان و قبل از فرمانروائی ارسالان خان سلجوقی و کوکیم یابکوی، فرمان رانده است.

[Кононов 1958: 69].

گفتی است که در آثار ابن البلخی از نامهای خاقان اخیرالذکریاد آوری شده است. برمبنی تذکرات منابع متذکره دختر خاقان مذکور به عقد نکاح خسرو 1 انوشیروان ساسانی در آمد، خاقانی که مادر خرمزاد IV (ترک زاده) شمرده میشد. (109) با توجه به افسانه های پسین میتوان درک کرد که، کلمه "یابکوی" بمعنی "رهبر یا پیشوا قبيله" و در عین زمان منحیث نام ویالقب سلسله متذکره نیز بوده است. (110)

[Мухамедова 1978: 169 – 171].

گفتنی است که اظهارات رشیدالدین در خصوص اوغوزی تباری سامانیان (اوغوزی تبار بودن سامانیان) توسط مصلح الدین محمد الاری در مقاله ای تحت عنوان میرات الدور و میرحت الغیر "Mir'at al-Markha Adwar wa al-agar" که در قرن پانزدهم برشته تحریر درآمد مورد تأیید قرار گرفته است. بیاناتیکه با اتکا بر اثر "جامع التواریخ" رشیدالدین مستندسازی گردیده است.

[ал-Лари: 234a].

به همین سان، اطلاعات مربوط به تعلیق اوغوزی سامانیان در یکی از دستنویس های مشهور رشیدالدین تحت عنوان "جامع التواریخ" و دست نویس مورخ دیگری بنام "حفیظی آبرو" که تحت عنوان "مجموعه" معرفی گردیده بود بیان شده است، (111).

لازم به یادآوریست که دستنویس اولی (دستنویس رشیدالدین) همین اکنون در یکی از موزیم های شهر استانبول کشور ترکیه محافظت میگردد. (112) بنا به قول محمداللوری سامان یابگودبزرگ سامانیان که بنام "اصل زاده" شهره بود، واقعا دارای منشاء تباری اوغوزی بوده است. (113) گفته شده است که در مراحل اولیه گسترش دین مقدس اسلام، زمامداری به نام طغرل زمام امور را در اختیار داشت، اما بعد از وی شخص دیگری بنام سامان یابگو زمام امور را بدست گرفت، زمامداری که در مقالات رشیدالدین از آن بنام توقوز یابکوی (دوکور یابکوی) نامبرده شده است.

[*ал-Лари: 234a*].

گفتنی است که نسخه دیگر مقاله مربوط به محمداللوری در فوند نور عثمانیه، Nur Osmaniye کتابخانه سلیمانیه محفوظ میباشد. (114) طبق افسانه های موجود، یافس ابن نوح Yafas (در کتاب انجیل بنام Japheth آمده است)، که بنام بولجه خان Buldza Khan شهره بود دج بزرگ کلیه ترکان شمرده میشود، در حالیکه پسرش دیب یابکوی Deeb Yavkuy جداوغوزخان میباشد. بنابراین "یابکوی" در حقیقت نام و یا عنوان اصلی حکمرانان اوغوزی شمرده میشود.

[*Рашид ад-дин 1946 I: (1): 80 – 81*].

از جانبی نام "یابکوی" که متعلق به حکمرانان قرلوقی و هیپتالیتی تخارستان در عصر خاقانات ترکی بود، احتمالا بنام "یابگو" شهره گردیده باشد. (115)(116) گفتنی است که عنوان متذکره در آغازین مراحل توسط حکمرانان کوشانی مورد استعمال قرار داشت، که دقیقا هیپتالیتها و ترکها از آنها به ارث بردند.

[*ДТС: 222*].

بخاطر باید داشت که اسم مذکور یعنی "یابگوی" در سلسله مراتب القاب و عناوین متعلق به خاقانات ترکی، بعد از خاقان عالی در جایگاه دوم قرار داشته واز میان حلقات حاکمه بمثابه فرد عالی رتب نظامی شمرده میشود. چنانچه همین یابگوها هنگام بروز جنگ جبهات راست قشون را رهبری و اداره مینمودند.

[Гумилев 1967: 53]. [Дадабоев 2003: 192].

از جانبی خاقان عالی ترک نیز میتوانست دارای همچو عنوانی بوده باشد. مثلا تردو Tardu Kara Churin Turk قاره چورین ترک (پسرایستمی یابگو خاقان) و تون یابگو خاقان دارندگان چنین عناوینی بودند.

[Ibn Khordadbeh: 40; Togan 1981: 412]. [Наршахуй: 16]

[Chavannes 1903: 171].

فردوسی شاعر مشهور ایران زمین در اشعارش یابگو رامنحیث عنوان عالی خاقانات ترک قلمداد نموده است، در حالیکه در منابع چینی عنوان متذکره بشکل "چژاو" chzhaou در آورده شده و گفته شده است که در آسیای میانه کلیه افراد محلی متعلق به سلسله های قبل از اسلام دارای همچو عنوان بودند. (117)

[Короглы 1983: 165].

طی قرون IV – VIII عنوان yabyu نه تنها میان حکمرانان ترک تبار تخارستان، بلکه میان حکمرانان هیبتالیتهی نیز یکی از عناوین معروف و مروج بود. اما در عصر اسلامی از اهمیت عنوان متذکره تا حد معینی کاسته شد، زیرا عنوان مذکور بعد از القاب "کایان" qayan (خاقان) و Yugrus (وزیر) در مقام سوم قرار گرفت.

[Симс-Вильямс 1997: 7]. [Кошгарий I: 39].

گفته میشود که در قرون وسطی در ناحیه آالشاش (چاچ یا تاشکند امروزی) از شهرکی بنام جبگوکت Dzhabgukat که قبلا منحیث اردوگاه نظامی از آن استفاده میگردد، نام برده شده است. چنانچه در قرن دهم در رهنما "ساکا-ختن" از شهرک مذکور یاد آوری شده است.

[Hudud al-‘Alam: 117; ал-Идриси: 52]. [Бернитам 1952a: 181 – 183].

لازم به یادآوریست که احتمالا عنوان yabyu از واژه yavuga زبان کوشانی- ساکی

که به مفهوم "رهبر" یا "بزرگ" و یا از کلمه ymg زبان پارسی که به معنی "سر، کلان" استعمال میگردد گرفته شده باشد (مشتق شده باشد).

[Смирнова 1961: 65] [Фрай 1972: 275, прим. 85].

گفتنی است که پیدایش واژه مذکور با واژه yabyu و یا yaryu ترکی قدیم که دارای مفاهیم یکسان بوده و از فعل yar بمعنی ساختن، و بستن استعمال میگردد مرتبط دانسته میشود. (118)

[Баскаков 1985: 41], [Clouston 1972: 873].

اما عنوان مذکور در متون خروشتی ترکی قدیم بشکل yargu آمده است.

[Thomas 1930: 519].

قابل یاد آور است که در زبان مذکور علامات علاوگی مانند (-gu, -qu, -ku) و یا (-agu, -layu) که در لغات سازی ترکی قدیم از آن وسیعا استعمال بعمل آمده و رول پارتیسیپل Participle (یا زمان مطلق آینده) با مفاهیم شاید، بایستی افاده میگردد بمشاهده میرسد

[ДТС: 654].

اما عنوان مذکور در تنگه های خوارزمی عصر کوشانی بشکل Jbqoy در منابع قرون اولیه بشکل yavgu and yafgu و در منابع چینی بشکل She-hu و یا EY-hu آمده است. لازم به یاد آور است که عنوان مذکور منحیث عالیترین عنوان حکمرانان و اتحادیه های سیاسی ترکان اوغوزی، قرلق ها، خضر ها و غیره قبایل موجود شمرده میشود.

[Мухаммади 2000: 76 – 80], [Дадабоев 2003: 192],

[Бичурин I: 5] [Зуев 2002: 289; Бичурин III: 303].

اما در قرون وسطی از اصطلاح "ایابو" Jacob یاد آوری شده است که بمفهوم "شخص- دارنده اسپ کاری" استعمال گردیده است.

[Хафиз-и Таниш II: 150, 151, 201, 235, 262, 263],

[Хофиз Таниш II: 405, прим. 1237].

در قرون وسطی میان قبایل ترکی شامل کنفدراسیون، (کنفدراسیونی که بنام کنفدراسیون قرلق ها مسمی گردیده بود)، از قبیله ای بنام یابکو (یابغو) یاد آوری شده است، نامیکه در توپونومی تاریخی و هایدرونومی (یکی از طبقات توپونومی) آسیای میانه محفوظ میباشد. (119)

[*Кошгарий I: 66, 64, 342, 323; Мерверруди: 93*], [*Йаздий: 82; Махмуд ибн Вали: 37*]

هکذا از کوهی بنام یاووگو آرت، Yafgu art و کوتلی بنام Yabgu-davan یاد آوری شده است.

[*Кошгарий III: 39*] [*Валиханов 1961 I: 309*].

لازم به تذکار است که ایتیمولوژی (معنی اصلی و حقیقی همان واژه، ریشه یابی) نام های قبایل متذکره از فعل Yap بمعنی بستن، پوشاندن گرفته شده است.

[*Бартольд 1973: 42 – 43*].

عقایدی وجود دارد مبنی بر اینکه اتونیم مذکور با عنوان Yabyu هم صدا و هم آهنگ بوده و به مفهوم "یابای عبادت کننده، (یابای در حال تضرع)" Yaba / Yaman استعمال شده است.

[*Зуев 2002: 130*].

درعین حال در مجسمه های رونیک (رمزی) ترکان اولیه (قدیم) مغولستان، هکذا در منابع قرون وسطائی از یابگو تذکار بعمل آمده است.

[*Малов 1959: 94*], [*Гардизи: 91; Ибн ал-Асир IX: 158, 191 – 201; X: 13*].

قسمیکه گفته آمد، الی آغاز قرن دهم نه تنها حکمرانان عالی ترکان اوغوزی که در سرزمینهای ریگی اطراف جهیل اورال (ارآل) جاگزین شده بودند از عنوان Yabyu استفاده میکردند، بلکه تعدادی از سلسله سلجوقیان نیز ازین تیتل بهره میجستند (استفاده میکردند).

[*Ибн Фадлан: 64*], [*Ибн ал-Асир IX: 196 – 199*].

علاوه بایستی نمود که عنوان(القاب) متذکره در منابع فارسی بشکل بیاگو(بیاغو)، بایگو(بایغو)، بایکو، بیغو، پایغو، باوگی(باوغی) و یا هم بکوی(باکوی) بمفهوم "ریش سفید و بزرگ قوم یا تبار" استعمال گردیده است

[*Наршахий: 16*], [*Джувейни: 444*], [*Рашид ад-дин I (2): 274*],

[*Та'рих-и Систан: 343 – 351*], [*Байхаки: 576, 602, 646; Гардизи: 117 – 118*],

[*ал-Лари: 234 a*] [*Будагов 1869 I: 234*].

در حالیکه، حکمرانان کیمیک ها دارای نام های ییمل پایگو Yama-Paygu بودند.
[*Бартольд 1973: 44*].

در سالهای 443-446 هجری مطابق به سالهای 1051-1055 م حکمداری بنام حسن بایگو در شهر هرات به ضرب سکه مسی مبادرت ورزید.

[*Ходжаниязов 1978: 177*].

گفتنی است که واژه "بایگو" در مقالات ابن الاسیرمنحیث اسم شخصی قیدگردیده است. در قرون وسطی در ناحیه الشاش از شهری بنام ایستابایگو(ایستابایغو) Istabaygu یاد آوری شده است، جائیکه واژه بایگو(بیغو)منحیث نام شخص(اسم خاص) بوضاحت بمشاهده میرسد.

[*Ибн ал-Асир IX: 196 – 199; Ibn al-Athīr IX: 267, 322*]. [*ал-Идриси: 52*],

در زمان حاکمیت مغلها عنوان آمریت شهریا ریس شهر که مسولیت ثبت وراجستر اهالی، جمع آوری مالیات و یا هم مسولیت آمریت پولیس به وی محول گردیده بود منحیث عنوان معادل عنوان مذبور استعمال میگردد.علاوه بایستی نمود که عنوان مذکورتاآغاز قرن(XX) در کشورهای آسیای میانه وایران بامفاهیم مترادف استعمال میگردد.

[*ал-Хавафи: 64, 120, 136, 141, 167*]. [*Ансари: 26, 50, 79, 80, 82, 106*].

درحالیکه آلتائی هامقام مذکور رابشکل "تارگه"(تارغه) می شناسند،مقامیکه مسوولیت جمع آوری مالیات و اداره شهر(ریس شهر) به ذمه وی گذاشته شده است. اما بوریات های سایبیریائی آنرا بشکل "دارگو" میشناسند، شخصیکه

منحیث مسول طائفه یا قبيله ودرعین زمان شخص ثانی (شخص دوم) بعد از رهبر عالی تائیشی (رهبر قبيله) شناخته میشود.

[Будагов 1869 I: 805], [Будагов 1869 I: 546 – 547].

به همین ترتیب نام قاره کیتایف تاینگوو cara-kitaev Tayangu یکی از سرکردگان نظامی که منحیث چهره دوم دولتی بعد از حکمران عالی گورخان gurkhan شمرده میشود، شامل همین رشته میباشد.

[Ибн ал-Асир XII: 63].

ازجانبی پیدایش واژه "بایگو" را میتوان با اتونیم ترکی "بایرگو" bayirgu نسبت داد، طوریکه اسپ سفید کول تیگین Cul-Tegin نیز به همین نام- نامیده میشود.

[Малов 1951: 41].

قبيله ترکی "بایگو" (بایرگو) از جمله قبایلی شمرده میشود که شامل کنفدریشن تیلی بوده است، کنفدریشن که بعد از اضمحلال امپراطوری هون ها تشکیل یافت.

[Ходжаев 2004: 19].

پاورقیها:

107. رشیدالدین "جامع التواریخ" چاپ ترکیه. (انقره 1957)

[Mercil 1994: 253].

108. "اوغوزنامه" پارچه ای (قطعه ای) از مقالات تاریخی "جامع التواریخ" رشیدالدین است که نسخه قلمی آن در کتابخانه Topkapi Saray شهر استانبول وابسته به فوند Bagdad köşkü تحت شماره 282 در ترکیب "مجموعه حفیظی آبرو" به نمبر (лл. 590a – 6016 и 641a) محفوظ میباشد.

109. ابن البلخی اسم وی را نه بشکل Kukem Yavquy (Baquy) بل بشکل Qaqim Khaqan آورده است.

[Ibnu'l-Balkhī: 24, 94, 98].

بنابقول الطبری-خانم خسرو 1 انوشیروان دخت سر- یابگو خاقان Cyr yabgu خاقان

عالی، خاقانات ترکان غربی است، خاقانیکه احتمالا ایستمی یابگو-خاقان دیزاول بوده باشد.

[*at-Tabarī I: 1966*], [*Гумилев 1967: 34 – 37, 39 – 40*].

110. معلوماتی وجود دارد مبنی بر اینکه حماسه ملی "اوغوزنامه" در مراحل قبل از اسلام بشکل نسخه های دوگانه متفاوت المضمون تحریر گردیده اند. چنانچه نسخه اولی در قرن VIII بزبان فارسی، و نسخه دیگر آن در قرن IX بزبان عربی ترجمه گردیده است. گفتنی است که محتویات کتاب مذکور با گذشت زمان و باافزود معلومات تکمیلی و نامکشوف اضافی مردمان اوغوزی جامع تر و غنی تر گردیده است.

[*Köprülü 1976: 25 – 26, n. 31; 249 – 251, n. 106*].

111. لازم به یاد آوریمت که معلومات فوق در دستنویس شماره 2935 [II: 168b] "جامع التواریخ" که در کتابخانه توپکپی سرای Topkapi Saray فوند سلطان احمد استانبول محفوظ میباشد منعکس گردیده است. اما مقاله دیگر همین دستنویس که به شماره 1654 قیدو در عین محل محفوظ میباشد از انظار کلی بدور مانده و مطلب مندرج آن در نشر ترجمه روسی در نظر گرفته نشده است.

[*Рашид ад-дин 1946 – 1952*].

См.: *Günaltay 1938: 76 – 77*.

اما به قول ذکی ولیدی توغان دستنویس توپکپی سرای به شماره 2475 محفوظ میباشد.

[*Togan 1981: 429, b. 2, n. 2; Mercil 1994: 253*].

112. دستنویس مذکور در کتابخانه توپکپی سرای (فوند Bagdad köşkü بشماره 282) قید میباشد. اما بنا بقول ذکی ولیدی توغان "مجموعه حفیظی آبرو" در فوند اسد افندی Es'ad Efendi بشماره (b: 919: 197) محفوظ میباشد.

[*Günaltay 1938: 77*]. [*Togan 1981: 429, b. 2, n. 2*].

113. در متن، سامان باوگی . Saman-bavgi آمده است.

114. مصلح الدین لوری، میرات الدور / فوند Nur Othmaniye. شماره 3156.

[Günaltay 1938: 77].

115. احتمالاً در نیمه دوم قرن VII در محدوده تخارستان تغییر حاکمیت صورت می پذیرد که بالاثر آن بعوض (بجای) حکمرانان آشین ها Aschin ، قرق ها بر سر قدرت می آیند، آنانیکه رهبر شان دارای عنوان یابگو بود.

[Сабитов 1986: 164].

116. حسب منابع چینی آخرین حکمدار سلسله یابگو های تخارستان که سال فرمانروائی آن میانه سال های 750 قید گردیده است، شخصی بنام سلیمان نامیده شده است. در قرن (X) در شهر شیراز روحانی پرآوازه ای بنام جبگویه Dzhabguya میزیست.

[Бернштам 1952б: 193]; [ас-Сам‘ани III: 179 – 180].

117. عقایدی وجود دارد مبنی براینکه گویا حسب معلومات منابع چینی نام تباری "چژاو" که در آسیای میانه افراد تقریب به کل از آن برخوردار میباشند، در حقیقت امر منعکس کننده همان عنوان عالی یابگوهای ترکی است که بالاخره بعنوان نام خانوادگی (فامیلی) مبدل گردیده است.

[Малявкин 1989: 257, прим. 571].

118. عنوان مذکور در نسخه هیتالیتی آن که در سکه های حکمرانان ترکان غربی در نیمه دوم قرن VII با الفبا یونانی نوشته شده است دقیقاً به همین شکل بچشم میخورد.

[Ghirshman 1948: 50].

119. دریا ئیکه از کوه های کاشغر سرچشمه گرفته و بصوب اوزگند و فرغانه در جریان بود به همین نام نامیده میشد.

[Кочгарий III: 43; Караев 1985: 26].

لینک های اضافی (علاوه گی) که بکمک انها میتوان در باره نامهای ذکر شده در ین باب، معلومات آفاقی بدست آورد.
 (البته اینها شامل بحث کتاب هذا نمیشد.)

- <https://en.wikipedia.org/wiki/Japheth>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%8C%D8%A7%D9%81%D8%AB>
- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%98%D0%B0%D1%84%D0%B5%D1%82>

درباره یافت

- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9A%D0%B8%D0%BC%D0%B0%D0%BA%D0%B8>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Kimek_tribe
- <https://tr.wikipedia.org/wiki/Kimekler>

درباره کیمیک ها

- <https://en.wikipedia.org/wiki/Kharosthi>
- <https://uz.wikipedia.org/wiki/Kharoshthi>
- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9A%D1%85%D0%B0%D1%80%D0%BE%D1%88%D1%82%D1%85%D0%B8>
- <https://ps.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D8%B1%D9%88%D8%B4%D8%AA%D9%8A>

در باره زبان خروشتی

- <https://en.wikipedia.org/wiki/Participle>
- https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%88%D8%AC%D9%87_%D9%88%D8%B5%D9%81%DB%8C
- [https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9F%D1%80%D0%B8%D1%87%D0%B0%D1%81%D1%82%D0%B8%D0%B5_\(%D0%BB%D0%B8%D0%BD%D0%B3%D0%B2%D0%B8%D1%81%D1%82%D0%B8%D0%BA%D0%B0\)](https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9F%D1%80%D0%B8%D1%87%D0%B0%D1%81%D1%82%D0%B8%D0%B5_(%D0%BB%D0%B8%D0%BD%D0%B3%D0%B2%D0%B8%D1%81%D1%82%D0%B8%D0%BA%D0%B0))

درباره پارتی سیپل یا وجه وصفی.

- https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%93%D0%B8%D0%B4%D1%80%D0%BE%D0%BD%D0%B8%D0%B_C
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Hydronym>
- https://ar.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D9%85_%D9%85%D8%A7%D8%A1%D8%A9

درباره هایدرونوم

- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%AD%D1%82%D0%B8%D0%BC%D0%BE%D0%BB%D0%BE%D0%B3%D0%B8%D1%8F>
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Etymology>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%DB%8C%D8%B4%D9%87%E2%80%8C%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C>
- https://tr.wikipedia.org/wiki/K%C3%B6ken_bilimi

درباره ایتیمولوژی

- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%AD%D1%82%D0%BD%D0%BE%D0%BD%D0%B8%D0%BC>
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Ethnonym>

- https://ar.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D9%85_%D9%82%D9%88%D9%85%D9%8A

درباره اتتونیم

- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%91%D1%83%D1%80%D1%8F%D1%82%D1%8B>
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Buryats>

درباره بوریات ها.

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A2%D0%B0%D0%B9%D1%88%D0%B8>

درباره تائیشی.

- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9A%D0%B0%D1%80%D0%B0%D0%BA%D0%B8%D1%82%D0%B0%D0%B8>

درباره قاره کینای

- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%93%D1%83%D1%80%D1%85%D0%B0%D0%BD>
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Gurkhan>

درباره گورخان

- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9A%D1%8E%D0%BB%D1%8C-D1%82%D0%B5%D0%B3%D0%B8%D0%BD>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D9%88%D9%84%E2%80%8C%D8%AA%DA%A9%DB%8C%D9%86>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Kul_Tigin
- https://tr.wikipedia.org/wiki/K%C3%BCI_Tigin

درباره کول تیگین